****

[اوقات رواتب 1](#_Toc482626959)

[منتهای وقت نافله صبح 1](#_Toc482626960)

[أدله امتداد وقت نافله صبح تا طلوع آفتاب 2](#_Toc482626961)

[دلیل أول 2](#_Toc482626962)

[مناقشه 2](#_Toc482626963)

[دلیل دوم 3](#_Toc482626964)

[مناقشه مرحوم خویی 3](#_Toc482626965)

[جواب از مناقشه مرحوم خویی 5](#_Toc482626966)

[بررسی دلالت مرسله اسحاق بن عمّار 6](#_Toc482626967)

**موضوع**: وقت نافله صبح /اوقات رواتب /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

## اوقات رواتب

## منتهای وقت نافله صبح

بحث راجع به منتهای وقت نافله صبح بود که مشهور قائل شدند تا طلوع حمره مشرقیه ادامه دارد ولی برخی مثل آقای سیستانی وفاقاً للشهید الأول فی الذکری فرموده اند: وقت نافله فجر تا طلوع آفتاب وقت دارد.

مشهور به صحیحه علی بن یقطین استدلال کرده اند که: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الحُسيَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الرَّجُلِ لَا يُصَلِّي الْغَدَاةَ- حَتَّى يُسْفِرَ وَ تَظْهَرَ الْحُمْرَةُ وَ لَمْ يَرْكَعْ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ- أَ يَرْكَعُهُمَا أَوْ يُؤَخِّرُهُمَا قَالَ يُؤَخِّرُهُمَا.[[1]](#footnote-1)

اگر تا طلوع حمره مشرقیه نافله صبح را نخواندی نافله صبح را تا بعد از نماز صبح تأخیر بینداز.

### أدله امتداد وقت نافله صبح تا طلوع آفتاب

**در مقابل این روایت، روایاتی ذکر شده است:**

#### دلیل أول

**روایت حسین بن أبی العلاء بود**: وَ عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَقُومُ وَ قَدْ نَوَّرَ بِالْغَدَاةِ- قَالَ فَلْيُصَلِّ السَّجْدَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ الْغَدَاةِ- ثُمَّ لْيُصَلِّ الْغَدَاةَ.[[2]](#footnote-2)

گفته شده است که روشن شدن صبح «تنوّر الغداة» ملازم با ظهور حمره مشرقیه است.

این صحیحه می گوید با طلوع حمره مشرقیه باز می توانی نافله صبح را بخوانی، ولی صحیحه علی بن یقطین می گوید نافله را تأخیر بیندازد و بعد از نماز صبح بخواند، لذا با هم تعارض می کنند؛

جمع عرفی این است که بگوییم أفضل این است که بعد از طلوع حمره مشرقیه نافله صبح را نخوانید و فریضه صبح را بخوانید و بعد از فریضه، نافله صبح را بخوانید و صحیحه أبی العلاء را بر رخصت حمل کنیم که جایز است بعد از طلوع حمره مشرقیه و قبل از این که نماز صبح را بخوانی، نافله صبح را بخوانی.

اگر هم گفته شود که هر دو أمر می کند: یکی می گوید «یصلّهما» و دیگری می گوید «یؤخّرهما» و این قابل جمع عرفی نیست و لذا تعارض و تساقط می کنند باید به اطلاق أولی رجوع کنیم:

که آقای خویی فرمود: بعد الفجر در روایت «قبل الفجر و عنده و بعده» ظهور در بعدیّت قریب و حوالی طلوع فجر دارد لذا وقت نافله تا طلوع آفتاب ادامه ندارد و أصل أولی عدم مشروعیّت نافله فجر بعد از طلوع حمره مشرقیه می شود.

ولی ما این ظهور را قبول نکردیم و گفتیم «بعد الفجر» اطلاق دارد و عرفاً تا طلوع آفتاب «بعد الفجر» صدق می کند لذا فرمایش آقای سیستانی ثابت می شود.

##### مناقشه

ولکن مشکل این است که نوّر الغداة به معنای طلوع حمره مشرقیه نیست، بلکه قبل از طلوع حمره مشرقیّه، هوا روشن می شود و صحیحه حسین بن أبی العلاء می گوید وقتی هوا روشن شد می توانی نافله صبح را بخوانی و صحیحه علی بن یقطین می گوید به این شرط که طلوع حمره مشرقیه نشده باشد لذا جمع عرفی دارند و تعارض نمی کنند.

لذا با استدلال به صحیحه حسین بن أبی العلاء نظر مشهور ابطال نمی شود.

شهید أول ره در ذکری به روایت دیگری برای امتداد وقت نافله صبح تا طلوع آفتاب نیز استدلال کرده است.

#### دلیل دوم

**صحیحه سلیمان بن خالد**: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ هِشَامٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ- قَالَ تَرْكَعُهُمَا حِينَ تَتْرُكُ الْغَدَاةَ إِنَّهُمَا قَبْلَ الْغَدَاةِ[[3]](#footnote-3)

شهید أول ره روایت را این گونه معنا می کند (و صاحب وسائل نیز این معنا را در حاشیه وسائل ذکر کرده اند[[4]](#footnote-4)): تأتی بنافلة الفجر حین تترک الغداة یعنی تا زمانی که اگر دیگر نماز صبح را نخوانی نماز صبح ترک می شود وقت نافله ادامه دارد: یعنی تا زمان فوت فریضه صبح که دو رکعت مانده به طلوع آفتاب است، وقت نافله صبح ادامه دارد. (اتّفاقاً در صحیحه فضلاء راجع به قاعده حیلوله شبیه این تعبیر (زمان فوت و ترک فریضه)آمده است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع‌ فِي حَدِيثٍ قَالَ: مَتَى اسْتَيْقَنْتَ أَوْ شَكَكْتَ فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّهَا- أَوْ فِي وَقْتِ فَوْتِهَا أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّهَا صَلَّيْتَهَا- وَ إِنْ شَكَكْتَ بَعْدَ مَا خَرَجَ وَقْتُ الْفَوْتِ وَ قَدْ دَخَلَ حَائِلٌ- فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْكَ مِنْ شَكٍّ حَتَّى تَسْتَيْقِنَ- فَإِنِ اسْتَيْقَنْتَ فَعَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي أَيِّ حَالَةٍ كُنْتَ[[5]](#footnote-5): وقت فوت فریضه زمان ضیق وقت است که اگر فریضه را نخوانی فریضه فوت می شود.)

و در ادامه روایت حضرت تعلیل کرد که «انهما قبل الغداة» معنا ندارد نافله صبح را بعد از نماز صبح بخوانی. بلکه نافله صبح قبل از نماز صبح است.

##### مناقشه مرحوم خویی

آقای خویی به شهید أول ره اشکال کرده اند که:

جمله «ترکعهما حین تترک الغداة» پنج نقل دارد:

1-نسخه أول: «تترکهما حين تترك الغداة» که خود شهید أول در ذکری به آن اشاره می کند: قد روى سليمان بن خالد، قال: سألت أبا عبد اللّٰه عليه السلام عن الركعتين قبل الفجر؟ قال: «تتركهما- و في خط الشيخ: تركعهما- حين تترك الغداة، انّهما قبل الغداة»[[6]](#footnote-6)

تهذیب به خطّ شیخ نزد شهید أول موجود بود و بعد به شهید ثانی ره رسید و بعد به صاحب معالم رسید و در منتقی الجمان تصریح می کند که تهذیب به خطّ شیخ نزد من است.

2-نقل دوم: «تركعهما حين تركع الغداة» که مرحوم فیض کاشانی در کتاب معتصم الشیعه نقل کرده است.

آقای خویی فرموده اند: اگر یکی از این دو نقل ثابت شود «تترکهما حین تترک الغداة-ترکعهما حین ترکع الغداة» مدّعای شهید أول ره ثابت می شود: معنای «تترکهما حین تترک الغداة» این است که: آخر وقت نافله فجر همان آخر وقت فریضه فجر است و معنای «ترکعهما حین ترکع الغداة» این است که: تا زمانی که وقت برای فریضه صبح باقی است برای نافله صبح هم وقت باقی است.

ولی ثابت نیست که این دو نقل درست باشد و سه نقل دیگر نیز وجود دارد:

3- «تركعهما حين تنزل الغداة»: یعنی نافله فجر را تا زمان نزول غداة اتیان می کنی و نزول نماز صبح معلوم نیست به چه معنا است: أول وقت نماز صبح است. شبیه آنچه در صحیحه زراره تعبیر کرد که وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ قَبْلَ الْفَجْرِ أَوْ بَعْدَ الْفَجْرِ- فَقَالَ قَبْلَ الْفَجْرِ إِنَّهُمَا مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ- ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً صَلَاةُ اللَّيْلِ- أَ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَ لَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَ كُنْتَ تَطَوَّعُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ- فَابْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ.[[7]](#footnote-7) یعنی در این جا هم می گوید در زمانی که وقت غداة حلول می کند نافله صبح را بخوان و چون سؤال از رکعتین قبل الفجر بود لذا معنا این می شود که وقت نافله صبح تا اذان صبح ادامه دارد. و شاید هم روایت بگوید که امام علیه السلام سائل را ردع می کند که: نافله را قبل از فجر نخوان و از اذان صبح به بعد نافله فجر را بخوان و مضمون آن شبیه روایاتی است که تعبیر به «صلّهما بعد الفجر» می کردند. که طبق این احتمال هم استدلال شهید أول ره تمام نمی شود و امتداد وقت نافله فجر تا طلوع آفتاب استفاده نمی شود.

این نقل سوم را منتقی الجمان جلد 1 صفحه 450 مطرح می کند و قبل از این حدیث، حدیث دیگری نقل می کند و در آخر آن می گوید متن این حدیث مضطرب است ولی این حدیث به خطّ شیخ است. و حدیث بعد همین حدیث است که: «تركعهما حين تنزل الغداة».

4-«ترکعهما حین تترک الغداة»: خود شهید أول در ذکری گفت که در تهذیب به خطّ شیخ این گونه است و در تهذیبی هم که الآن چاپ شده است به همین شکل است و در وسائل هم همین گونه نقل می کند.

که طبق این احتمال هم مدّعای شهید أول تمام نمی شود زیرا به این معنا است که: بعد از این که نماز صبح را ترک کردی یعنی وقتش فوت کرد و آفتاب طلوع کرد می توانی نافله فجر را بخوانی ولی بین الطلوعین که هنوز فریضه صبح را ترک نکرده ای نباید نافله صبح را بخوانی.

5-نقل استبصار: «ترکعهما حین تنوّر الغداة»: یعنی نافله فجر را در هنگام نورانی شدن صبحگاه اتیان کن.

طبق این معنا هم مدّعای شهید أول ثابت نمی شود زیرا این روایت با حرف ما تنافی ندارد و مدّعای ما این است که بعد از طلوع آفتاب دیگر نافله را نخوان.

خلاصه این که مرحوم خویی می فرمایند این روایت پنج نقل دارد و دو نقل أول مدّعای شهید أول را ثابت می کند ولی معلوم نیست این دو نقل ثابت باشد.

###### جواب از مناقشه مرحوم خویی

انصاف این است که:

شهید أول در ذکری فرمود: «بخطّ الشیخ» که نقل چهارم بود: «ترکعهما حین تترک الغداة».

و نقل منتقی «ترکعهما حین تنزل الغداة» انصافاً معنای واضحی ندارد و این معنا که وقت غداة نزول و حلول کرد، عرفی نیست. و به احتمال قوی نسّاخ منتقی الجمان اشتباه کرده اند زیرا منتقی الجمان به خطّ صاحب معالم به ما نرسیده است. ولی شهید أول به این حدیث استدلال کرد و در تهذیب حدیث به همین شکل آمده است«ترکعهما حین تترک الغداة»، و هر کس هم بیان کرده به همین شکل بیان کرده است لذا به نظر می رسد نقل چهارم معتبر است.

و أما نسخه استبصار نیز وثوق نداریم که نسخه صحیح آن چه بوده است و این که چند نسخه استبصار را پیدا کرده اند و آن را چاپ کرده اند و به دست ما داده اند که حجّت شرعی نیست و باید وثوق پیدا کنیم و ما بعد از اختلاف نقل ها وثوق پیدا نمی کنیم ولی شهید أول در ذکری می گوید «ترکعهما حین تترک الغداة» به خطّ شیخ طوسی وجود دارد و به آن استدلال می کند و نمی توان گفت که مستنسخ ذکری اشتباه کرده است.

**و أما این که مرحوم خویی فرموده است نقل رابع هم مدّعای شهید را ثابت نمی کند:**

صحیح نیست زیرا «ترکعهما حین تترک الغداة» به این معنا است که تا زمانی که اگر نماز صبح را نخوانی دیگر نماز صبح ترک می شود نافله را بخوان یعنی تا زمان فوت نماز صبح، وقت نافله صبح ادامه دارد یعنی دو رکعت قبل از طلوع آفتاب را برای خود نماز صبح قرار بده، و غیر از این معنایی که بیان کردیم و صاحب وسائل در حاشیه وسائل مطرح نمود معنای عرفی دیگری نداریم.

لذا به نظر ما دلالت این روایت تمام است.

ولی دلالت صحیحه علی بن یقطین هم تمام بود که بعد از حمره مشرقیه نافله فجر را تأخیر بینداز و بعد از فریضه فجر بخوان لذا باید بین این دو روایت جمع کنیم:

آقای سیستانی می فرماید أفضل بعد از طلوع حمره مشرقیه این است که ابتدا فریضه خوانده شود و بعد نافله فجر خوانده شود ولی قبل از طلوع آفتاب هم می تواند ابتدا نافله فجر و بعد فریضه فجر را بخواند و مشروع است.

احتمالاً ایشان هم، صحیحه سلیمان بن خالد را قبول کرده است ولی بین این صحیحه و صحیحه علی بن یقطین به این نحو جمع کرده است.

ولی به نظر ما این جمع عرفی نیست زیرا یکی أمر و دیگری نهی می کند: «إئت بهما، لاتأت بهما» و جمع عرفی ندارد لذا تعارض و تساقط می کنند و ما که قائل به عام فوقانی بودیم (صلّهما قبل الفجر أو عنده أو بعده) بر اساس اطلاق «بعد الفجر» می گوییم تا طلوع آفتاب وقت نافله صبح ادامه دارد.

و ما به خاطر أصل أولی با فتوای مشهور مخالفت می کنیم و مثل شهید أول در ذکری می گوییم وقت نافله صبح تا طلوع آفتاب امتداد دارد.

تذکّر: ما در «قبل الفجر» گفتیم که شامل ابتدای شب نمی شود ولی تا یک ساعت «قبل الفجر» صادق است و لذا «بعد الفجر» هم تا یک ساعت و ربع بعد از اذان صبح صادق است.

### بررسی دلالت مرسله اسحاق بن عمّار

روایت دیگر مربوط به منتهای وقت نافله صبح، روایت مرسله اسحاق بن عمّار است:

وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْهُ ع قَالَ: صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ مَا بَيْنَكَ- وَ بَيْنَ أَنْ يَكُونَ الضَّوْءُ حِذَاءَ رَأْسِكَ- فَإِنْ كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَابْدَأْ بِالْفَجْرِ.[[8]](#footnote-8)

دو رکعت نافله فجر را تا زمانی می توانی بخوانی که نور شب در مقابل تو باشد ولی اگر نور شب از بین رفت و هوا روشن شد دیگر نافله فجر نخوان و فریضه فجر را بخوان.

سند این روایت ضعیف است و مرحوم خویی فرموده اند اگر سند روایت خوب بود با بقیه روایات معارضه می کرد زیرا أَنْ يَكُونَ الضَّوْءُ حِذَاءَ رَأْسِكَ قبل از طلوع حمره مشرقیه است بلکه بعید نیست بگوییم قبل از روشن شدن هوا است.

و برای ما خیلی روشن نیست و بیان مجملی است و شاید أَنْ يَكُونَ الضَّوْءُ حِذَاءَ رَأْسِكَ مساوی با طلوع حمره مشرقیه باشد که منافات با نظر مشهور ندارد ولی با مذهب شهید أول در ذکری منافات دارد. البته اگر معارضه هم ایجاد می شد ما به اطلاق «بعده» رجوع می کنیم که شامل نافله صبح تا قُبیل طلوع آفتاب می شود.

ولی این که أفضل چیست: صحیحه زراره می گفت أفضل این است که نافله فجر قبل از اذان صبح خوانده شود و بعد از اذان فجر ابتدا فریضه را بخوان. و ابدأ بالفریضه بر مراتب فضل حمل می شود زیرا روایات دیگر می گفت تا زمانی که تنوّر صبح نشده است نافله صبح را می توانی بخوانی. و خود صحیحه علی بین یقطین دلالت دارد که بعد از طلوع حمره مشرقیه یؤخّرهما دارد و ظاهر آن این است که ارتکاز سائل بر این که می تواند قبل از طلوع حمره مشرقیه، نافله صبح را قبل از فریضه بخواند تأیید کرده است که حمل بر مراتب استحباب حمل می شود. و سکوت امام علیه السلام بیش از این دلالت ندارد که خواندن نافله فجر قبل از طلوع حمره مشرقیه فضیلتی دارد ولی این که أفضل باشد را نمی رساند. و شاید أفضل این باشد که بعد از اذان صبح ابتدا فریضه صبح و بعد نافله صبح را بخوانیم که مفاد صحیحه زراره است.

در جلسه قبل مطلبی بیان کردیم که: روایت محمد بن مسلم می گوید وقت نافله فجر سدس آخر شب است و اشکال کردیم که کسی که نماز شب را قبل از این زمان می خواند نمی تواند نافله فجر را بخواند.

ولی این اشکال جواب داده می شود به این بیان که: در موثّقه زراره می گوید: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ إِنِّي لَأُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ أَفْرُغُ مِنْ صَلَاتِي- وَ‌ أُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ فَأَنَامُ مَا شَاءَ اللَّهُ- قَبْلَ أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ- فَإِنِ اسْتَيْقَظْتُ عِنْدَ الْفَجْرِ أَعَدْتُهُمَا.[[9]](#footnote-9)

بعد از نصف شب بلند شو و صلّ ثلاث عشر رکعات 13 رکعت نماز شب بخوان و نماز شب 13 رکعت نیست و دو رکعت آخر نافله فجر است و امام علیه السلام می فرماید: من این کار را انجام می دهم و می خوابم و بعد از طلوع فجر أعدتهما که بر استحباب اعاده حمل می شود.

از این روایت معلوم می شود که نافله فجر بعد از نیمه شب، در کنار نماز شب مشروع است و اختصاصی به سدس آخر شب ندارد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص266، أبواب مواقیت، باب51، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/266/%DB%8C%D8%B3%D9%81%D8%B1) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص267، أبواب مواقیت، باب51، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/267/%D9%86%D9%88%D9%91%D8%B1) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص266، أبواب مواقیت، باب51، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/266/%D8%AA%D8%B1%DA%A9%D8%B9%D9%87%D9%85%D8%A7) [↑](#footnote-ref-3)
4. لعل المراد حين تقدر على ترك الغداة و تاخيرها و ذلك قبل الفجر أو بعده قبل أن يتضيق وقت الصبح. فتدبر (منه قده). [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص283، أبواب مواقیت، باب60، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/283/%D9%81%D9%88%D8%AA%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-5)
6. [ذکری الشیعه، شهید اول، ج2، ص379.](http://lib.eshia.ir/10184/2/379/%D8%AE%D8%B7%D9%91%20%D8%A7%D9%84%D8%B4%DB%8C%D8%AE) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص264، أبواب مواقیت، باب50، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/264/%D8%AA%D9%82%D8%A7%DB%8C%D8%B3) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص267، أبواب مواقیت، باب51، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/267/%D8%AD%D8%B0%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج4، ص268، أبواب مواقیت، باب51، ح9، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/4/268/%D9%81%D8%A3%D9%86%D8%A7%D9%85) [↑](#footnote-ref-9)